



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

تهاجم فرهنگی و آسیب‌های آن به بنیان خانواده ایرانی؛ تحلیل دیدگاه مقام معظم رهبری

دانشجوی دکتری، دانشکده جامعه‌شناسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
استادیار، دانشکده جامعه‌شناسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
استادیار، دانشکده جامعه‌شناسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

سمانه فوقی ^{id}

محمدرضا اقارب پرست ^{id*}

عبدالرضا باقی ^{id}

aghareb@iaush.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۲ پیاپی ۱۶ | ۶۶۳-۶۴۶

تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(فوقی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

فوقی، سمانه، اقارب پرست، محمدرضا، و باقی، عبدالرضا. (۱۴۰۲). تهاجم فرهنگی و آسیب‌های آن به بنیان خانواده ایرانی؛ تحلیل دیدگاه مقام معظم رهبری. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۴(۲)، ۶۶۳-۶۴۶.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تهاجم فرهنگی و آسیب‌های آن به بنیان خانواده ایرانی؛ تحلیل دیدگاه مقام معظم رهبری انجام شد. روش پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. یافته‌ها: یکی از کارکردهای اجتماعی رسانه‌ها، نقش آن‌ها در معرفی مفهوم خانواده به مخاطب است. آن‌ها خانواده‌ها را اغلب به شکل واحدهایی برجسته و قابل تشخیص از یکدیگر نمایش می‌دهند. با این روش بنیان خانواده از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند. هدف از این تحقیق شناسایی اثرات مخرب تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، آسیب‌های تهاجم فرهنگی به خانواده‌ها در ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای) است. رسانه‌های غربی می‌توانند، با انتشار و پخش گزارش‌های مکرر از تعریف مورد نظر خود از خانواده، به جامعه ایرانی تعریف خاص خود را القاء کنند و باعث تغییر یک جامعه از درون خود شوند. این امر سبب نگرانی مسؤلان از جمله مقام معظم رهبری شده است. نتیجه‌گیری: از تحلیل داده‌ها بر می‌آید که فضای مجازی و رسانه‌ها بیشترین تأثیر در تهاجم فرهنگی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تهاجم فرهنگی، رسانه، خانواده ایرانی، جنگ نرم، فضای مجازی.

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی و حرکت همگانی مردم برای تغییر بنیادین ارزش‌های نظام، دشمنان همواره از طریق برنامه‌های مختلف سعی بر اختلال در نظام برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورمان داشته‌اند. پس از آنکه دشمنان از ادامه رابطه و مصالحه با رهبران نظام جمهوری اسلامی مأیوس شدند، به جنگ تحمیلی دامن زدند که خود می‌توانست، تضعیف نظام تا نابودی کامل هویت دینی و ملی (ایرانی-اسلامی) را در بر داشته باشد. رشادت‌ها و ایثار جوانان و مردم ایران به مدد عقیده و ارزش‌هایی که از انقلاب به دست آورده بودند، مانعی بزرگ بر سر راه اهداف آن‌ها شد و چیزی جز ناکامی و شکست در حوزه استراتژی‌های نظامی را برای آن‌ها در بر نداشت. بنابراین، دشمنی که در حوزه نظامی شکست خورده بود، به فکر راه‌های پنهانی برای نابودی نظام افتاد. در این دوره، از بین بردن ارزش‌های جامعه تبدیل به مهمترین هدف آنان شد. اکنون در قرن بیست و یکم که قرن ارتباطات است، این ارتباطات باعث تغییرات فرهنگی شده‌اند به گونه‌ای که می‌توان گفت به پدیده تهاجم فرهنگی سرعت بیشتری بخشیده است.

این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که «از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی تهاجم فرهنگی و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر بنیان خانواده در جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» و این فرضیه آورده شده است که: تهاجم فرهنگی بنیاد خانواده را هدف قرار داده و در صورت بی توجهی می‌تواند آسیب‌های جدی را به دنبال داشته باشد.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت.

یافته‌ها

فرهنگ، امری سطحی و ظاهری نیست، بلکه در بینش‌ها و باورهای اساسی و درونی انسان‌ها ریشه دارد (رضوی و همکاران، ۱۳۹۷). جامعه‌شناسان، فرهنگ هر جامعه را اساس تمدن آن جامعه می‌دانند و فرهنگ‌شناسان، جامعه را گروهی متشکل نامیده‌اند که دارای فرهنگ مشترک هستند. امروزه، فرهنگ، به همه ابزارهایی که در اختیار افراد جامعه است و تمامی آداب و رسوم، اعتقادات، علوم، هنرها و سازمان‌های اجتماعی که در یک جامعه وجود دارند، اطلاق می‌شود (منصوری، ۱۳۷۰).

شهید مطهری معتقد است «فرهنگ به مثابه والاترین عنصری است که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد یا همچون روح یک ملت است که ضامن بقای آن می‌باشد» (مطهری، ۱۳۶۳). در کلام مقام معظم رهبری مطالب متعدد و متنوعی در حوزه تعاریف، عناصر و شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی بیان شده است. معظم له درباره تعاریف کامل و بومی از فرهنگ، مواردی به شرح زیر ارائه فرموده‌اند:

- فرهنگ، مانند آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آن‌ها روبروست (حدیث ولایت، ۱۳۶۹).

- فرهنگ یک ملت، همچون ذره‌های الماسی است که در طول قرون شکل می‌گیرد و استحکام پیدا می‌کند و در عنصر یکایک افراد ملت متجلی است (حدیث ولایت، ۱۳۷۳).
- همچنین مقام معظم رهبری، ویژگی‌هایی برای فرهنگ برشمرده‌اند که در اینجا به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:
- فرهنگ، شکل دهنده هویت است؛
- فرهنگ، عمدتاً موضوعی معنوی است؛
- سلطه فرهنگی، سلطه تمام عیار است؛
- فرهنگ، پایه دستیابی به اقتدار حقیقی در عرصه بین‌الملل است؛
- تعامل میان فرهنگ‌ها، امری طبیعی و ذاتی است (علیزاده و مرادی صالح، ۱۳۹۱).
- حال به تعریف تهاجم فرهنگی می‌پردازیم. تهاجم فرهنگی شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد (وانگ، ۲۰۱۳). طبق نظریه‌های مرتبط با تهاجم فرهنگی، تهاجم در دو مرحله عمده صورت می‌پذیرد (صافی اله، ۱۳۹۸):
- تخلیه فرهنگ خودی: وقتی در فضایی خلأ ایجاد شود، نزدیک‌ترین نیروی موجود، آن خلأ را پر می‌کند؛
- تثبیت فرهنگ بیگانه: در این مرحله، به دلیل وجود خلأ فرهنگی، فرهنگ بیگانه، به صورت تحمیلی و یا تشویقی در جامعه هدف، جایگزین می‌شود (وانگ، ۲۰۱۳).

نقش رسانه‌ها در تولید محتویات ذهنی

امروزه اهمیت و نقش رسانه‌ها بر هیچکس پوشیده نیست؛ این موضوع ناشی از تأثیر مهم آن‌ها بر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه و تحول آن‌ها توسط این ابزار قوی فرهنگی است که براساس الگوی مدرن امنیت، قدرت پذیرش را در مخاطب ایجاد و تقویت می‌کند. (بهرامی، ۱۳۸۸). وسایل ارتباطی مانند ماهواره، اینترنت و تلفن همراه بر تمام ارکان جامعه مؤثر واقع شده‌اند. این وسایل در پیدایی عادات جدید، تکوین ارزش‌ها و اعتقادات یا تغییر در عقاید، رفتار و نگرش‌های افراد و تحولات فرهنگی حاکم بر جامعه و خانواده‌ها نقش بسیار مهمی دارند. از سوی دیگر، نظام سلطه جهانی سعی در تسلط کامل بر رسانه‌ها برای نیل به اهداف متعدد خود داشته است. بنابراین رسانه‌ها نه تنها این توانایی را دارند که واقعیت را جز آنچه هست بنمایانند، بلکه می‌توانند ادراک مردم از واقعیت را نیز به میل و سلیقه خود تغییر دهند. (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵)

«رسانه‌ها در میدان‌های مختلف اجتماعی این توانایی را دارند که میزان سرمایه نمادین افراد و موقعیت‌ها را تغییر دهند و به دلیل تأثیر گسترده‌ای که به افکار عمومی دارند می‌توانند مشروعیت و حیثیت اجتماعی افراد یا بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که در عصر حاضر سازمان‌ها را کم یا زیاد کنند» (بهرامی، ۱۳۸۸).

رسانه‌ها با تسلط بر اندیشه، ادراک و احساس انسان، حاکم بر سرنوشت او شده‌اند و مهار زندگی بشر را در دست گرفته‌اند. همان‌گونه که «ولسفلد» اشاره کرده است، تقریباً تمامی رسانه‌های خبری جانبداری و

سوگیری نسبت به زبان، ارزش‌ها، باورها و پیشداوری‌های محلی خود را به نمایش می‌گذارند. اکثر رسانه‌های مهم، تصاویر، احساسات یا تلقین‌های متناسب با فرهنگ مخاطبان را به آنان ارائه می‌دهند. قالب‌ها یا کلیشه‌ها نیز چه در مورد خود و چه در مورد دیگران، به عنوان بخشی از فرآیند ساده سازی تقویت می‌شوند.

حقیقت این است که وسایل نیرومند سخن‌پراکنی، به تنهایی قدرت ایجاد تحولات بزرگ را در افکار عمومی ندارند و یا به ندرت دارند؛ ولی می‌توانند به طور مؤثر جریان‌های فکری موجود را تقویت کنند و چنانچه در توده مردم آمادگی برای تحول وجود داشته باشد، حتی قادرند این تحول را جهت بدهند. این آمادگی خود به عوامل گوناگون وابسته است؛ مانند بحران‌هایی که اعتقادات جامعه را نسبت به رسانه‌های گروهی در انسجام و هماهنگی دیدگاه‌های افراد نسبت به نظام موجود سست می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۷). سیاسی در چارچوب جامعه‌پذیری سیاسی نقشی درخور توجه دارند. «هوستن رانی» معتقد است در همه کشورهای دارای فناوری ارتباطی، رسانه‌ها در شکل دادن به جهت‌گیری‌های اصلی و نیز افکار خاص بیشتر مردم، نقش مستقیم دارند. «لوسین پای» نیز رسانه‌ها را مناسب‌ترین ابزار موجود برای جامعه‌پذیری و عامل شناخت و برداشت فرد از موقعیت و زندگی خود و جهانی اصلی‌نوسازی می‌داند (پیشه ور، ۱۳۷۶) که در آن به سر می‌برد از دو راه حاصل می‌شود: نخست، مواردی که انسان به طور واضح لمس می‌کند و به نوعی تجربه شخصی اوست. دوم، آنچه از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کند. تلقی مردم به طور معمول از دیپلماسی، تجارت خارجی، امنیت ملی و دفاع و نیز سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌ای است. تنوع قابل توجه رسانه‌ها که هر یک برخوردی متفاوت با مخاطب دارد و نیز گوناگونی نوع زیست افراد و طرز تلقی آنان سبب ناهمگونی افکار عمومی شده است.

دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص جنگ نرم رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی غرب

جنگ نرم از پارادایم منتقد نسبت به رویکرد جدید غرب به دیگر جوامع برآمده است؛ رویکردی که استمرار همان تهاجم به فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات دیگر جوامع است و غرب قصد تخریب آن را با شدتی مضاعف دارد. جنگ نرم را می‌توان تلاشی دانست از طرف نیروهای سلطه‌گر برای نابودی، تهی‌سازی و به ذلت کشاندن فرهنگ، آداب، ارزش‌ها و هنجارهایی است که جامعه هدف را در طی قرون، از هرگونه گزند محفوظ کرده است. درواقع تلاش دشمن برای تسلط کامل در ابعاد گوناگون بر یک جامعه است که این تسلط با زدودن الگوهای رفتاری و هنجارهای ارزشی جامعه مورد تهاجم و جایگزینی الگوها و ارزش‌های جامعه مهاجم محقق می‌شود (غلامرضایی، ۱۳۹۴).

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدمنعوت و ضد اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندان و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷).

حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیشترین توجه را به خنثی کردن ترفندها و توطئه‌های دشمن معطوف داشتند. ایشان اولین هشدارها را نسبت به توطئه جدید دشمن که عبارت از تهاجم فرهنگی بود به گوش مردم رساندند و بعدها با تعبیر «شبیخون فرهنگی» ابعاد و وسعت بیشتر این خطر را گوشزد کردند و کوشیدند تا با «تبیین و روشنگری»، ذهن مردم و مسئولان را نسبت به نقشه‌های متنوع و پیچیده دشمن روشن سازند. معظم‌له در تعریف مقوله «تهاجم فرهنگی» پس از ناکام ماندن دشمن در عرصه نظامی و رویکرد به عرصه فرهنگ در دیدار با فضلالی حوزه علمیه قم در هفتم آذر ۱۳۶۸ گفتند:

یک جبهه بندی عظیم فرهنگی که با سیاست، صنعت، پول و با انواع و اقسام پشتوانه همراه است، الان مثل یک سیلی راه افتاده که با ما بجنگد. جنگ هم، جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آنجا هیچ تأثیری ندارد و آثارش هم طوری است که ما تا به خود بیاییم، گرفتار شده ایم.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳)

رهبر معظم انقلاب مقوله فرهنگ را «چشم اسفندیار» ملت‌ها دانسته و تهاجم فرهنگی را چونان یک بمب شیمیایی که نامحسوس و بدون سروصدا منفجر می‌شود و اثرات ناگهانی و زیان باری برجای می‌گذارد، معرفی کردند و افزودند:

فرض کنیم در یک محوطه یک بمب شیمیایی منفجر شود یا بیفتد که احدی نفهمد که این بمب اینجا افتاد. پس از هفت هشت ساعت می‌بینید صورت‌ها و دست‌های همه تاول زده است. تهاجم فرهنگی دشمن به صورتی است که شما ناگهان از مدرسه‌های ما، در خیابان‌های ما، در جبهه‌های ما، در حوزه علمیه ما، در مدارس و دانشگاه‌های ما نشانه‌های آن را خواهید دید... (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳)

حضرت آیت الله خامنه‌ای توجه ویژه‌ای به افشای ماهیت این تهاجم میدول داشتند و با تجزیه و تحلیل و اثبات این نکته که هدف «تهاجم فرهنگی» مبارزه با تفکر اسلامی است، به مردم و مسئولین هشدار دادند و آنان را به هوشیاری هرچه بیشتر در عرصه این رویارویی فراخواندند و در تاریخ بیست و سوم مرداد ۱۳۷۰ در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران فرمودند:

ما باید تهاجم فرهنگی را یک مقوله حقیقی و جدی به حساب بیاوریم. مبارزه فرهنگی با تفکر اسلامی و جمهوری اسلامی دارای شاخه‌ها و شعبات متعددی است که اگر واقعاً انسان بخواهد آن‌ها را بررسی و احصا کند، خواهد دید که عرصه بسیار گسترده‌ای دارد. فرضاً تفکر سیاسی اسلام در مطبوعات، در کتاب‌های مختلف و در ترجمه‌ها، حتی در تاریخ نویسی زیر سوال می‌رود. بالاخره این انقلاب بر مبنای تفکر سیاسی اسلامی بنا شده است؛ اگر اسلام یک تفکر سیاسی نداشت، یک انقلاب بر مبنای اسلام انجام نمی‌گرفت و یک نظام براساس آن بوجود نمی‌آمد... ما اکنون شاهدیم که بسیاری از مقالات، کتاب‌ها، تاریخ نویسی‌ها و بیوگرافی نویسی‌ها بر پایه رد طرز تفکر سیاسی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی استوار است. یک وقت یک نفر مخالف فکری است و بر این مبنا مقاله یا کتاب می‌نویسد، ما انتظار نداریم چنین چیزی نباشد، و عکس العمل مهمی را نیز نباید در پی داشته باشد. ممکن است علیه توحید هم کسی کتاب بنویسد. این اشکالی ندارد... اما زمانی انسان از قرار دادن این گونه کارها در کنار هم و از تأمل در مجموع آن‌ها به نقشه‌ای حساب شده پی‌می‌برد و اینکه این امر تصادفی نیست و نیت و اراده‌ای پشت سر قضیه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳)

هم ایشان بودند که برای نخستین بار در مرداد ۱۳۷۰ با رهنمودهای حکیمانه خود، از آسیب‌هایی که از رهگذر عملکرد این منورالفکران نصیب جمهوری اسلامی خواهد شد، پرده برداشتند و با صراحت افزودند: به نظر من یک حمله همه جانبه و سازماندهی شده وجود دارد. در آغاز طبیعی بود که انقلاب نتواند روشنفکر و هنرمند جماعت را که با دین و ایمان و روحانیت سروکاری نداشتند، جذب کند. البته گروهی از آنان وجدان‌های بیداری داشتند که انقلاب آن‌ها را جذب کرد؛ عده‌ای هم کنار ماندند... آن طوفان اوایل انقلاب آن‌ها را وادار کرده بود که درون خانه هاشان در لاک خود فرو بروند و حداکثر در پشت درهای بسته و با یکدیگر درد دلی بکنند. تدریجاً نشریه‌ای راه انداختند، قلمی زدند، حرفی زدند... شعری سرودند، کسی اعتراضی نکرد. دیدند مثل اینکه در این فضا می‌شود با سازماندهی کارکرد و آن کاری که می‌خواهند بکنند، این است که پشت جبهه انقلاب را کلاً میان بازوان خود بگیرند. پشت جبهه انقلاب مردم هستند. خط مقدم مسئولین هستند بعد وابستگان به مسئولین و سپس خیل عظیم مردم... (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳)

امام خامنه‌ای درباره آسیب‌های تهاجم فرهنگی و نفوذ فرهنگ غرب به خانواده‌ها و جامعه اسلامی ایران در سخنرانی‌های مختلف گوشزد کرده و هشدار داده‌اند:

در غرب بنیاد خانواده متزلزل است و روابط سرد میان زن و شوهر حکم فرماست و از سوی دیگر در سطح جامعه غربی نیز زن، نه به عنوان یک شخصیت مستقل، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای التذاذ مردان است و روال کلی بر این است که زن در این جوامع از هیچ تکریم ویژه‌ای برخوردار نیست و عرف فرهنگ غرب چنین چیزی را اقتضا می‌کند. (سعیدیان و همکاران، ۱۳۹۲)

در بیانی دیگر در سال ۱۳۷۵ فرموده‌اند:

بعضی کسان که ظاهر بینند به محیط اجتماعی در غرب می‌نگرند و می‌بینند زنان بدون هیچ پروایی در جوامع، ظاهر می‌شوند؛ لذا خیال می‌کنند که آن‌ها در داخل خانواده هم، چنین بی‌پروایی را دارند؛ درحالی که این تصور اشتباه است و در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم می‌شود. اما اسلام مانع چنین ظلمی در حق زن است. امروز اگر ما در جامعه مان کمبودی در این زمینه داریم باید مرتفع شود. (۱۳۷۵/۰۶/۲۸)

همچنین فرموده‌اند: وجود نوجوانان تبهکار جنایتکار معتاد و فاسد در جوامع غربی، ناشی از اهمیت ندادن زنان به خانواده و تربیت صحیح فرزندان است. (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

در جای دیگر به این نکته اشاره کرده‌اند که مسئله جاذبه جنسی و خطر جاذبه جنسی برای زن و مرد و برای جامعه و برای خانواده، خیلی بایستی جدی گرفت. (۱۳۹۲/۰۲/۲۱)

مسئله تهاجم فرهنگی و پایداری خانواده از دغدغه‌های همیشگی رهبری است که سالیان متمادی به آن پرداخته و به مسئولین هشدار داده‌اند که در اینجا به تعدادی از بیانات اشاره شد.

روش‌های تأثیر تهاجم فرهنگی بر خانواده‌ها

می‌توان گفت خانواده کانون توجه حملات ابزارهای مدرن تهاجم فرهنگی است و با تضعیف آن بسیاری از اهداف تهاجم فرهنگی محقق می‌شود. با نگاه به کارکردهای خانواده بیش‌تر می‌توان به اهمیت آن توجه نمود (کریستین، ۲۰۱۸). برخی از این کارکردها عبارتند از:

- **اینترنت و فضای مجازی:** فضای مجازی، عملاً ساختارهای اجتماعی، هویتی و ذهنی جدیدی را شکل می‌دهد. برخی از نظریه پردازان بر این باورند که فضای مجازی، حضور گروه‌های خرده فرهنگی را در جهان با هویت‌ها، فعالیت‌ها و تفکرات متفاوت سهولت می‌بخشد. فضاهای مجازی، ماهیت روابط اجتماعی افراد را تغییر خواهد داد (اسدی، ۲۰۱۷).

امروزه افراد با عضویت در شبکه‌های اجتماعی، امکان دستیابی به اطلاعات سایر اعضا، آشنایی با علایق و تفکرات آن‌ها خواهند داشت و می‌توانند فایل‌های صوتی، تصویری و متنی به اشتراک بگذارند؛ همچنین می‌توانند گروه‌هایی با علایق مشترک با برخی اعضا را تشکیل دهند. (بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۱)

آیت الله خامنه‌ای در اولین جلسه درس خارج فقه در سال ۱۳۹۵ بیان کردند: پایگاه‌های اینترنتی فراوانی وجود دارد که هدفشان این است که عفت و حیای جوان مسلمان را از بین ببرند. (۱۳۹۵/۰۶/۱۶) پس باید به این نکته توجه داشت که اپ‌های مجازی که در بدو ظهور، پدیده‌ای حاشیه‌ای شمرده می‌شدند، امروزه در سطحی وسیع قابل‌دسترس و استفاده‌اند. سهولت دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند باعث تغییر در سبک زندگی جوانان و حتی بزرگسالان شود. عدم کنترل آن در مقوله تهاجم فرهنگی، می‌تواند بنیان خانواده را به نابودی بکشاند.

- **شبکه‌های ماهواره:** نظام سلطه جهانی و به‌ویژه دولت ایالات‌متحده می‌کوشد تا فناوری ساخت ماهواره و برنامه‌هایش را در انحصار خود قرار دهد. پخش برنامه‌های تلویزیونی برای تسخیر قلب‌ها و اذهان، توان دیپلماسی را بالا برده و به حل‌وفصل منازعات خارجی کمک می‌کند. به‌خصوص در شرایط بحرانی کشورها، می‌کوشند تا از طریق رسانه‌های خود، برنامه‌های تأثیرگذاری را برای مردم دیگر کشورها پخش کنند. پیشرفت‌های اخیر در فناوری‌های ماهواره‌ای همراه با توسعه و گسترش فعالیت بازارهای خبری تلویزیون از آن جمله است. به‌طور مشخص، امکان پوشش خبری آنی حوادث در سراسر دنیا، نقشی را که رسانه‌ها در پیشبرد یا اجرای سیاست خارجی ایفا می‌کنند، برجسته کرده است. شبکه‌های ماهواره‌ای را می‌توان قدرتمندترین سلاح نظام سلطه در جنگ رسانه‌ای علیه کشورها دانست که با برد وسیع و توان انتقال حجم عظیم اطلاعات، به ابزاری منحصربه‌فرد در دست آنان تبدیل شده است. (مرادی) از سوی دیگر با پخش فیلم‌های مستهجن با موضوعاتی که نوجوانان و جوانان را جذب می‌کند، فرهنگ کشورها را نشانه گرفته است.

- **بازی‌های کامپیوتری:** در بازی‌های رایانه‌ای، کاربر در این فضای رسانه‌ای با رانندگی، شلیک و تعقیب و گریز، خود را در صحنه می‌بیند و به هیجانی کاذب دست می‌یابد. با اندکی تأمل می‌توان جلوه قدرت نرم دشمن را در قالب رسانه نوپدید بازی‌های رایانه‌ای دید و شناخت؛ سلاحی که از آن در جنگ نرم خود بهره می‌برد. سربازان در دنیای بازی‌های رایانه‌ای بی‌هیچ گونه نظارت و مقاومتی تا عمق خانه‌ها پیشروی کرده‌اند. طراحی این بازی‌ها با اهداف مهمی همچون رواج لذت‌گرایی، مواجهه با اخلاقیات و از بین بردن قبح گناهان همراه بوده است. افراد رفته‌رفته وارد اعمال غیرقانونی، دزدی و ... می‌شوند. (محمدی، ۱۳۹۴)

- **شبکه اجتماعی اینستاگرام:** اینستاگرام، شبکه اجتماعی است که به کاربرانش این امکان را می‌دهد تا تصاویر و ویدئوهای خود را در دیگر شبکه اجتماعی نظیر «فیسبوک»، «توییتر»، و... به اشتراک بگذارند

(رضوی و همکاران، ۱۳۹۷) و با دستیابی راحت به صفحه‌های شخصی افراد در سراسر دنیا، عادات و فرهنگ‌های نادرست آنان را جایگزین فرهنگ و سبک زندگی ایرانی اسلامی خود کند.

- **تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد:** تاریخ بشر نشان می‌دهد که هیچ مکانی برای ارضای نیازهای غریزی بشر، امن‌تر و آرام‌بخش‌تر از خانواده نبوده است. (بهرامی، ۱۳۸۸) رسانه‌های غربی با تبلیغ رفتارهای غیراسلامی و غیراخلاقی، بر ذهن جوانان نفوذ کرده و آنان را ترغیب می‌کنند تا نیازهای جنسی خود را از راه نامشروع برآورده کنند؛ در این صورت ازدواج و به تبع آن، نرخ زاد و ولد کاهش می‌یابد.

- **مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالخورده‌گان:** از آنجا که این افراد، قادر به مراقبت از خود نیستند، بنابراین خانواده بهترین مکان برای حفظ و نگهداری از این افراد است. (بهرامی، ۱۳۸۸) متأسفانه شاهد این موضوع هستیم که افراد مانند سابق، تمایلی به نگهداری از ناتوانان و سالخورده‌گان ندارند و این افراد را به مراکز نگهداری می‌سپارند.

- **اجتماعی کردن فرزندان:** در تمام تاریخ بشر، خانواده به عنوان مهد گسترش و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای نظام اجتماعی از نسلی به نسل دیگر بوده است. آنچه را که افراد در سال‌های نخست زندگی از خانواده فرا می‌گیرند، پایه‌های اندیشه‌های بعدی خود می‌سازند. در موارد بسیار زیادی، الگوی زندگی و رفتارهای اجتماعی فرزندان، والدین آن‌ها هستند. (بهرامی، ۱۳۸۸) تهاجم فرهنگ بیگانه بر بنیان خانواده اثر گذاشته و باعث می‌شود فرزندان بجای آموزش در محیط خانواده، از طرق نامناسب آموزش ببینند.

- **تأمین اقتصادی:** تقریباً در همه جوامع تاریخی، خانواده نقش اصلی تأمین مایحتاج اقتصادی و ضروریات مادی افراد را بر عهده داشته است. بنابراین در دوره‌های مختلف زندگی به ویژه سال‌های نخست و پایانی زندگی که فرد قادر به تولید اقتصادی نبوده است، تحت حمایت سازمان خانواده قرار می‌گرفت. مهم‌ترین هدف برای نابودسازی یک جامعه و فرهنگ آن، نابودسازی افراد از طریق برهم زدن آرامش روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنهاست که این هدف جایی نیست مگر خانواده. چنانچه دیده می‌شود سیستم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دشمن، اغلب با اثرگذاری بر خانواده نظام عقیدتی، سیاسی و فرهنگی فرد را دچار تزلزل می‌سازد. (بهرامی، ۱۳۸۸)

- **اختلاف میان زن و شوهر:** دشمنان فرهنگی، در قالب برنامه‌های تفریحی، کتاب‌ها، تصاویر و فیلم‌های تلویزیونی سعی در تغییر رویکردها و عقاید افراد دارند. برنامه‌های فرهنگی بیگانگان با تبلیغات و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم خود در قالب برنامه‌های تلویزیونی، عکس‌ها، رمان‌ها و... سعی در تغییر بنیان‌های فکری افراد دارند که این امر در اغلب موارد به اختلافات ارزشی خانواده‌ها و عدم توانایی آن‌ها در پذیرش یکدیگر منجر می‌گردد. دامنه این مسئله از اختلافات خانوادگی تا طلاق گسترش می‌یابد. (برمن، ۱۳۷۵)

گرداندگان شبکه‌های ماهواره‌ای از جمله شبکه فارسی وان با توجه به اهمیت و حساسیت فوق‌العاده خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماع، با گزینش دقیق سریال‌هایی که دستمایه آن‌ها زندگی مشترک و روابط خانوادگی است، انگشت روی نقطه آسیب‌پذیر مخاطب گذاشته که عدم مواجهه با آن، زمینه ساز انحراف در خانواده و بالطبع جامعه جوان ایرانی خواهد شد.

نکته ای که در صورت استمرار و سرایت در خانواده و جامعه ایرانی، اثرات تخریبی بیشتری از، برنامه‌های خبری «بی بی سی» و یا «صدای امریکا» دارد. عادی جلوه دادن خیانت زن و شوهر به یکدیگر، عشق‌های

مثلثی و مربعی، طلاق، بی‌حرمتی به پدر و مادر، رفتارهای خشن، فریبکاری، دروغ و روابط پرخطر جنسی در بسیاری از برنامه‌های شبکه‌های Gem و pmc به چشم می‌خورد و آن‌ها حتی نوعی تشویق به انجام اعمال منافی عفت را دنبال می‌کنند. اینها اساس خانواده ایرانی را هدف قرار داده و قصدشان متلاشی کردن آن است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶)

روبارویی خانواده‌های ایرانی با تهاجم فرهنگی

بی‌تردید طراحان برنامه‌های مدرن تهاجم فرهنگی اطلاعات و خط‌مشی‌های اصلی خود را از سازمان‌ها و اطلاعاتی و جاسوسی کشورهایی می‌گیرند که قصد فرماندهی بر کل دنیا را دارند. تحقیقات نشان می‌دهد در سازمان سپا، شاخه‌ای تخصصی و متمرکز برای مطالعات و برنامه‌ریزی ضد فرهنگی علیه ایران با یک فکر ویژه تشکیل شده و بودجه مالی آن از ۲۵۰۰۰۰۰۰ دلار در سال قبل به ۷۵۰۰۰۰۰۰ دلار در سال جاری افزایش یافته است؛ این یعنی افزایش تهاجم تا حد سه برابر مهم‌ترین هدف مبارزه فکری و روانی دشمنان نظام، سرمایه‌های اصلی کشور یعنی جوانان است و در این بین جوانان برای آنان دارای اهمیت و برنامه‌ریزی ویژه است چرا که: جوانی به واسطه ویژگی‌های نشاط، بالندگی، نوجوانی، سرکشی و ناپختگی فکری، محلی مستعد برای تاخت و تاز شبهات و اندیشه‌های جدید و پر زرق و برق است. (صابری، ۱۳۸۹)

جوانان به واسطه زندگی در خانواده‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تخریب و منحرف کردن یک جوان در یک خانواده، یعنی تخریب و کاهش قدرت آن خانواده. بررسی‌ها نشان می‌دهد مواد روان‌گردان و مخدر برای جوانان و نوجوانان به شیوه‌ای راحت و با قیمتی ارزان‌تر ارائه می‌شود به نظر شما احاطه و تسلط فکری بر جوانان اهمیت بیش‌تری دارد یا بزرگ‌سالان و سالخوردگان؟ البته هر یک جایگاه ویژه خود را دارد. منحرف ساختن جوانان این خانواده‌ها زمینه برای دغدغه‌های بزرگ خانواده و ایجاد عدم تمرکز فکری و روانی برای والدین نظامی می‌گردد. (رضوی زاده، ۱۳۸۷) نگاهی به ساختار پذیرش تهاجم در خانواده‌ها و انواع آنها، در فهم بهتر مطالب، ما را یاری می‌رساند:

الف) خانواده‌های فعال: در این خانواده‌ها، درونی کردن هنجارهای اجتماعی و دینی روال معمول و منطقی خود را داشته و والدین ضمن مشارکت در زندگی جمعی و پاسخ به مسائل فکری فرزندان، هم‌زمان به افزایش اطلاعات مورد نیاز و تعامل منطقی با فرزندان به ویژه جوانان خود می‌پردازند. استعمار فرهنگی برای ورود به این خانواده‌ها دچار مشکل جدی است، چراکه مأمین اسرار جوانان این خانواده‌ها، دچار مشکل جدی است. مأمین اسرار جوانان این خانواده‌ها، والدین هستند و محیط خانواده به شکلی است که آن‌ها برای طرح مسائل ذهنی و فکری و عقیدتی خود مشکل خاصی ندارند، بنابراین در حافظه آن‌ها نقاط مجهول وجود ندارد تا توسط ابزار تهاجم فرهنگی به نادرست معلوم گردد (سرونت، ۱۳۸۷).

ب) خانواده‌های منفعل: در این خانواده‌ها، به علت اشتباه گرفتن وظایف و کارکردهای اصلی خانواده و هدف نهایی کار و تلاش، از تأمین پوشاک و خوراک به جای تأمین روحی روانی فرزندان، شکافی محسوس بین والدین و فرزندان به وجود می‌آید. عمدتاً در این خانواده‌ها فرصت مناسبی برای گفت‌وگوشنود خانوادگی پیدا نمی‌شود و ارتباط آن‌ها موزاییکی است. والدین به تصور برآوردن نیازهای اصلی فرزندان، بیشتر به فکر لباس، غذا، تفریح و تحصیلات آن‌ها هستند و کمتر به اصلی‌ترین وظیفه خود یعنی همبستگی روانی با فرزندان و

آموزش معنوی آن‌ها توجه دارند. چه بسا در این میان ابتدا والدین تحت تأثیر ابزارهای تهاجم فرهنگی قرار گرفته و سپس فرزندان مبتلا می‌شوند و در صورت ابتلای آن‌ها راه حل منطقی و مناسبی برای برون رفتن از بحران در پیش گرفته نمی‌شود. مشکلات اقتصادی و خواسته‌های پایان ناپذیر خانواده‌ها نیز ناکجا آبادی را پیش روی این خانواده‌ها می‌سازد که با سرعت به سمت انتهای آن، که یأس و نومیدی است سرازیر می‌شوند. در بسیاری از موارد این افراد احساس می‌کنند که هر مشکل و مسئله خاصی آن‌ها را تهدید نمی‌کند و در یک امنیت کامل به سر می‌برند بنابراین به فکر راه حل آن مشکل بر نمی‌آیند. لذا اولین راه حل برای مواجهه با مشکل، یافتن مسئله است (نای، ۲۰۱۰).

با توجه به ساختار فرهنگی - مذهبی جامعه ما، نیاز به تقسیم‌بندی دیگری احساس می‌شود:

- خانواده سنتی: که تأکید ویژه آن بر سنت‌ها و رسوم غالب حاکم بر جامعه اعم از دینی یا ملی است. این دسته به دو گروه قابل تقسیم‌بندی است: الف: متعصب: این خانواده‌ها به شرایط زمانی توجهی نداشته و آن چیزی که در گذشته آموخته‌اند و یا با جنبه‌ها سنتی آن‌ها همخوانی دارد را معیار اصلی انتخاب‌های بعدی خود و دیگران می‌دانند و در این راه انعطافی از خود نشان نمی‌دهند. ب: منعطف: این خانواده با وجود آنکه وجه پیروی از سنت‌ها در آن‌ها بسیار قوی است اما تا حدودی سعی می‌کنند تا در برابر شرایط از خود انعطاف نشان دهند در نتیجه با فرزندان بسته به اقتضای زمانه همگام می‌شوند.

- خانواده روشنفکر: که این دسته از خانواده بر خلاف دسته پیشین، تأکید عمده خود را بر عقل و معیارهای عقلانی و منطقی نهاده و در برابر اغلب مسایل جدید سعی دارند تا از عقل و معیارهای آن بهره‌برند: (سمتی، ۱۳۸۵) الف: ارزش‌مدار: این دسته علاوه بر آنکه تأکید زیادی بر عقل و انتساب‌های عقلانی دارند، اما معیارهای عقلانی آن‌ها دارای پشتوانه ارزشی و اغلب دینی است. لذا تنها به اموری مبادرت می‌ورزند که با محک عقل و معیارهای ارزشی آن‌ها همخوانی داشته باشد. ب: فارغ از ارزش: این دسته کسانی هستند که سعی دارند تا عقل‌مدار با تمام مسایل برخورد کنند. عقل ابزاری و معطوف به هدف سرلوحه تمام امور این افراد قرار می‌گیرد. برای این دسته که از معیارهای ارزشی روشنی پیروی نمی‌کنند و عقل آزاد را سرلوحه امور خود قرار می‌دهند. برای آن‌ها هدف مهم است و به اصطلاح هدف، وسیله را توجیه می‌کند. به عنوان مثال از نظر ما و حتی اندیشمندان اروپایی، آمریکاییان اغلب افرادی با عقل ابزاری و معطوف به هدف هستند و برای آن‌ها تنها هدف مهم است نه وسیله. کشتار جمعی، تعرض و تهاجم، وسایلی هستند که آن‌ها را به اهدافشان رهنمون می‌سازند. بنابراین، این وسایل چون بهترین ابزار برای دستیابی به اهداف محسوب می‌شوند، مناسب و مقبول هستند. در حالی که در سنت ما و ارزش‌مداران تاریخ همواره راه رسیدن به اهداف یکی از ملزومات اساسی است (مویسی، ۲۰۱۷).

اگر بخواهیم این خانواده‌ها را در یک طیف نشان دهیم در یک سر طیف خانواده‌های متعصب سنتی و در سر دیگر آن خانواده‌های روشنفکر فارغ از ارزش قرار می‌گیرند. این خانواده‌ها افرادی افراطی‌اند. خانواده‌های متعصب سنتی در برابر هر امر جدید و تازه‌ای مقاومت می‌کنند. از آنجا که این خانواده نمی‌تواند با شرایط زمان خود را تطبیق دهد در بسیاری از موارد دچار مشکلات جدی شده و احتمال انحراف اعضای آن بسیار زیاد است (پیشه ور، ۱۳۷۶).

دسته دوم یعنی خانواده‌های روشنفکر مآب فارغ از ارزش، کسانی هستند که بر خلاف دسته اول تحت هیچ عنوان به ارزش‌ها و سنت‌های رایج تن در نمی‌دهند. این دسته اغلب افرادی غیر اخلاقی و غیرقابل اعتماد

هستند. از سویی دیگر امکان فروپاشی این خانواده‌ها و گسست انسجام و همبستگی آن‌ها بسیار زیاد است زیرا این دسته در برابر هر مد جدیدی آماده پذیرش هستند و آن را با آغوش باز می‌پذیرند. تفاوت و تناقض ارزش‌های آنی و گذرا در این خانواده‌ها و از سوی دیگر عدم توجه به اخلاق، موجب فروپاشی و گسست این خانواده‌ها از هم می‌شود. اما آنچه مد نظر ما می‌باشد و از نظر ما خانواده‌های پذیرفته شده‌تری محسوب می‌شوند خانواده‌های سنتی منعطف و روشنفکر ارزش مدار هستند. این دو دسته آمیزه‌ای از عقل و سنت‌های ارزشی اعم از دینی و ملی را سرلوحه عمل خود قرار می‌دهند. مسلماً این خانواده‌ها در برابر مسایل جدید و حوادث بزرگ زندگی کمتر آسیب‌پذیرند و این دسته با قدرت تحمل خود به حل مسایل می‌اندیشند و با قدرت ایمان، اخلاق و صبر شیوه ارتباط منعطف با محیط را پیش می‌گیرند. (سلطانی فر، ۱۳۸۷)

راهکارهای جمهوری اسلامی برای مقابله با تهاجم فرهنگی

دولت ایران تلاش‌های زیادی برای مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب انجام داده است که در اینجا به دو مورد آن اشاره می‌شود:

- **مقابله با پارازیت‌ها:** طبق گزارش کاخ سفید در سال ۲۰۱۸ در بند ۱۲۶۴ «قانون قربانیان سانسور ایران» بدین صورت نوشته شده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور انسداد دسترسی شهروندان به اطلاعات خارجی، اقدام به ارسال امواج پارازیت ماهواره‌ای کرده است. آن‌ها از دو نوع تکنولوژی برای تولید پارازیت استفاده می‌کنند: «پارازیت ماهواره‌ای» که بدان «پارازیت در ارسال امواج از زمین به ماهواره» نیز می‌گویند؛ و «پارازیت زمینی» که بدان «پارازیت در ارسال امواج از ماهواره به زمین» نیز گفته می‌شود. فعالیت‌های پارازیت‌زای دولت ایران افزایش چشم‌گیری یافت. دولت سیگنال‌های شبکه خبر فارسی صدای امریکا و دیگر شبکه‌های تلویزیونی که برای ایران پخش می‌شدند را هدف قرار داد. به نظر می‌رسد که آنها، هم فرستنده‌های ثابت و هم متحرک را بکار گرفتند تا دریافت امواج از طریق آنتن‌های ماهواره‌ای موجود بر سقف خانه‌ها را مختل و متوقف سازند.

«شورای مدیران پخش» قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران، با تنظیم فرکانس‌ها و اضافه سازی ظرفیت‌های ماهواره‌ای جدید، به مقابله با پارازیت‌های ماهواره‌ای دولت ایران می‌پردازد. «شورای مدیران پخش خبر» به‌طور مداوم اقدامات ایران برای ارسال پارازیت را زیر نظر داد. این اداره، مهندسین متخصص خود را به کار گمارده تا با تدوین استراتژی‌های لازم از دسترسی مخاطبین به برنامه‌ها اطمینان حاصل نمایند. این چالش بالاخص زمانی بزرگ‌تر می‌شود که بدانیم برنامه‌ها باید از فرکانس‌های آشنا برای مخاطبین خارج شده و یا به ماهواره‌هایی که کمتر توسط ایرانی‌ها استفاده می‌شوند منتقل گردند (کاخ سفید، ۲۰۱۸).

- **فیلتر و ضدفیلتر:** بخش عمده‌ای از سایت‌های فارسی خبری، متعلق به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی خارج از کشور و یا دولت‌های خارجی است. سرمایه‌گذاری بر روی سایت‌های اینترنتی به‌عنوان یکی از ابزارهای جنگ رسانه‌ای علیه ایران با قدرت و شدت از سوی کشورهای نظیر امریکا و جریان‌های معاند نظام جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود. در زمان گذشته، ارتباط دولت‌ها، سازمان‌های سیاسی، گروه‌ها و جریان‌های اپوزیسیون با مردم ایران، به‌سختی و با صرف هزینه‌های فراوان صورت می‌گرفت، اما امروزه اینترنت این

امکان را فراهم آورده که با هزینه‌ای بسیار اندک، به ارتباط با مردم ایران پرداخته و آن‌ها را تحت بمباران تبلیغی و سیاسی قرار دهند. از سوی دیگر، در مقابله با سیاست فیلترینگ ایران که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته، امریکا به‌طور علنی، عکس‌العمل نشان داده و با انعقاد قرارداد ۴۰ میلیون دلاری با یک شرکت سازنده نرم‌افزارهای فیلتر و ضد فیلتر، اقدام به شکستن فیلترهای آی اس پی های ایرانی کرده است. اقدام دولت ایران در فیلتر کردن سایت‌های ضد اخلاقی و غیرمجاز و مخل امنیت ملی، امریکا را بر آن داشت تا به‌منظور مقابله با این سیاست، تمهیداتی برای دسترسی کاربران ایرانی به این‌گونه سایت‌ها بیندیشد. (مطهری، ۱۳۹۲)

بازخورد دوگانه سیاست فیلترینگ و پارازیت: علی جنتی در اظهارنظری پیرامون رسانه‌های مجازی تاکید کرد: «همه شبکه‌های اجتماعی باید قابل دسترس باشند و قید غیرقانونی برای دسترسی به آن‌ها برداشته شود.» وی گریزی به اعمال ممنوعیت و محدودیت‌ها در زمینه دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای زد و گفت: «با هیچ روشی نمی‌توان مانع ارتباطات جهانی شد و با «فیلترینگ و پارازیت» نمی‌توان مانع دسترسی آزاد به اطلاعات شد، به همین دلیل چاره‌ای جز تولید محتوا نداریم. همان‌گونه که در شبکه‌های تلویزیونی نتوانستیم با ایجاد «پارازیت» و ممانعت از نصب «دیش»، دسترسی به این شبکه‌ها را محدود کنیم، با فیلترینگ هم نمی‌شود تاثیری در دسترسی به اطلاعات گذاشت.» (مطهری، ۱۳۹۲)

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که برخوردهای نیروی انتظامی با «دیش»های ماهواره نصب شده روی پشت بام خانه‌ها، بارها خبرساز و واکنش برانگیز شده است. طی سال‌های گذشته نیروهای پلیس در اجرای ماموریت خود و با انجام طرح‌هایی چندمرحله‌ای، اقدام به جمع‌آوری دیش‌های ماهواره از پشت بام خانه‌ها کرده‌اند. در یکی از خبرسازترین مراحل این‌گونه طرح‌ها، نیروهای پلیس در سال ۹۰ با اجرای عملیات «راپل» از طریق هوایی بر بام یا بالکن مجتمع‌های مسکونی فرود آمده و «دیش»های ماهواره را جمع‌آوری کردند. نیروی انتظامی نیروی انتظامی در واکنشی به انتقادات از اینگونه اقدامات «ناجا» می‌گویند: «برخی به نیروی انتظامی معترض بودند که چرا اقدام به جمع‌آوری ماهواره‌ها می‌کنید؛ چراکه اساساً فایده و اثری بر آن مترتب نیست. این درحالی است که دو پاسخ برای این افراد وجود دارد؛ اول اینکه در روز رستاخیز که این افراد مدعی شدند چرا حکومت اسلامی خطای ما را مشاهده کرد و جلوی ما را نگرفت، باری بر دوش ما نخواهد بود و حقی از ایشان برگردن ما نیست. اما پاسخ دوم را آمار مستند بیان می‌کند که حکایت از اثربخشی روش نیروی انتظامی در عمل دارد.» (احمدی مقدم، ۱۳۹۲).

بحث و نتیجه‌گیری

در بحث فوق قصد داشتیم به معرفی اجمالی تهاجم فرهنگی و هدف اصلی آن یعنی جوانان و خانواده برداریم. مهم‌ترین هدف برای نابودسازی یک جامعه و فرهنگ آن، نابودسازی افراد از طریق برهم زدن آرامش روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنهاست که این هدف جایی نیست مگر خانواده. چنانچه دیده می‌شود سیستم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دشمن اغلب با اثرگذاری بر خانواده نظام عقیدتی، سیاسی و فرهنگی فرد را دچار تزلزل می‌سازد. بدون شک با توجه به انواع خانواده و روش‌های تربیتی و تصمیم‌گیری در آنها، مقابله با تهاجم فرهنگی نیز متفاوت می‌شود. بی‌تردید نمی‌توان در همه جای جامعه پلیس و نیروهای

کنترل رسمی را قرار داد اما می‌توان با آموزش صحیح به خانواده‌ها، آن‌ها را در مقابل این تهدیدات بنیان برانداز، واکسینه نمود. خانواده‌ها با کنترل فرزندان خود کمک بسیار زیادی به سلامت خود و جامعه می‌کنند. خانواده‌ها، با رفتار مشفقانه و محبت‌آمیز می‌توانند به کمک اصلاح جامعه آمده و ضمن کنترل درونی خانواده‌ها به کنترل بیرونی و در نهایت ایمن سازی جامعه با مشارکت و همکاری دلسوزانه کمک نمایند. خانواده‌ها پلی هستند برای سوق جامعه به سمت اهداف متعالی و بلند.

در دنیای امروز کشورها نمی‌توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه خود با فرهنگ‌های بیگانه در امان باشند. اگر فرهنگ جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و مردم از فرهنگ خود گسسته شوند، قدرت درست اندیشیدن از آن‌ها سلب می‌گردد و در این دریای ارتباطات غرق می‌شوند. و اگر ملتی علاقه مند به حفظ و پاسداری از هویت فرهنگی خود باشد، باید سعی کند فرهنگ غیر مادی جامعه خویش را حفظ نماید. البته این به آن معنا نیست که می‌توان یا باید فرهنگ غیر مادی را کاملاً دست نخورده و ثابت و اصیل نگه داشت زیرا تغییر از خصوصیات فرهنگ است. ولی این تغییر در صورتی به هویت فرهنگی آسیب نمی‌رساند که جریان عادی و خود به خودی را بپیماید. برای مقابله و مبارزه با تهاجم فرهنگی راه حل‌های زیادی بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد: ۱- شناخت همه جانبه تهاجم فرهنگی و اهداف دشمن از آن؛ ۲- تقویت بینش دینی و سیاسی مردم؛ ۳- اشباع نیازهای طبیعی انسان از راه‌های مشروع؛ ۴- گسترش امر به معروف و نهی از منکر؛ ۵- خودسازی متولیان فرهنگی؛ ۶- تلاش برای زدودن فقر اقتصادی.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از همه کسانی که در این پژوهش همکاری کردند اساتید عزیز و مشارکت کنندگان گرامی تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

تعارض منافع

لازم به ذکر است نویسندگان هیچگونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- برمن، ادوارد (۱۳۷۵). کنترل فرهنگ، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر نی.
- بشیر، حسن، محمدصادق افراسیابی (۱۳۹۱) شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ ترین جامعه مجازی ایرانیان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۵(۱)، ۶۲-۳۱.
- بهرامی، کمیل نظام (۱۳۸۸). نظریه رسانه‌ها، تهران: انتشارات کویر.
- پیشه‌ور، احمد (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی سیاسی، اهواز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

رحمانی، غلام‌عباس، فریدون وحیدا، رضا اسماعیلی (۱۳۹۵) بررسی تغییرات فرهنگی ناشی از استفاده از رسانه ماهواره در حوزه ارزش‌های خانواده، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشکده علوم انسانی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۶(۱)، ۳۲-۱.

رضوی، سیدعلی محمد، نصرت الله نعمتی فر، سیدحسین موسوی (۱۳۹۷) بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۶(۲)، ۱۷۸-۱۵۲.

رضوی زاده، سید نورالدین (۱۳۸۷). بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

سعیدیان، مریم، حبیب رضا ارزانی، سعیده یراقی (۱۳۹۲) آسیب شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، ۳(۱۱۰)، ۴۳-۹.

سرونت، پیر (۱۳۸۷). خیانت رسانه‌ها، مترجم: محمدرضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سمتی محمد مهدی. (۱۳۸۵)، عصر سی ان ان و هالیوود، ترجمه: نرجس خاتون براهوئی، تهران: نشر نی. سلطانی فر، محمد. (۱۳۸۷). مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای، مقاله شناسایی عوامل مؤثر در آسیب شناسی دیپلماسی رسانه ای کشور، حسن بشیر، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

صابری مجید. (۱۳۸۹) انقلاب اسلامی ایران و جنگ رسانه ای، مجله رسالت، سال چهارم، شماره دهم. صفایی، صفی اله (۱۳۹۸) آسیب شناسی تهاجم فرهنگی در بین جوانان استان همدان، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، ۱۱۵(۱)، ۱۹۴-۱۷۳.

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶). رویکردها و طرح های امریکایی درباره ایران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

علیزاده، محمدجواد، علیرضا مرادی صالح (۱۳۹۱) نقش اقتدار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، فصلنامه امنیت پژوهی، ۱۱(۲)، ۶۰-۷. غلامرضایی، علی اصغر (۱۳۹۴) ویژگی هدفمند جنگ نرم، تهاجم بر ساختار فرهنگی، فصلنامه رادیو تلویزیون، ۱۱(۲۷)، ۱۰۰-۸۵.

غلامرضایی، علی اصغر (۱۳۹۳). فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، (۳).

منصوری، جواد (۱۳۷۰). فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه. مرادی، تورج (۱۳۹۸). جنگ نرم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دوران پسا برجام)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

محمدی، علی (۱۳۹۴). روش‌های مقابله با جنگ نرم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

نرم افزار حدیث ولایت، (۱۳۹۰). مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

هاشمی، شهناز (۱۳۸۷). رسانه‌ها و تغییرات فرهنگی، تکنولوژی های جدید رسانه ای، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۷) بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، فیش‌های تهاجم فرهنگی، دسترسی در ۳۰ آبان ۱۳۹۹.
<https://farsi.khamenei.ir>

آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۲/۰۲/۲۰) بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی، دسترسی در ۲ آذر ۱۳۹۹.
[https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22536)

مطهری، علی (۱۵ آبان ۱۳۹۲) وزیر ارشاد: فیلترینگ و پارازیت چاره ساز نیست، روزنامه شرق، دسترسی در ۱۳۹۹/۰۹/۰۳.
<http://sharghdaily.com/fa/main/detail/24728>

آیت الله خامنه‌ای، (۱۳۷۵/۰۶/۲۸) بیانات در جمع زنان شهر ارومیه. دسترسی در ۲ آذر ۱۳۹۹
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2812>

آیت الله خامنه‌ای (۱۳۷۵/۱۲/۲۰) بیانات در اجتماع زنان خوزستان، دسترسی در ۲ آذر ۱۳۹۹
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>
کاخ سفید (۲۰۱۸) گزارشی از قانون قربانیان سانسور ایران

References

- Abdollahkhani, A. (2007). American approaches and plans on Iran. Tehran: Contemporary International Studies and Research Institute.
- Alizadeh, M. J., & Moradi Saleh, A. R. (2012). The role of the cultural authority of the Islamic Republic of Iran in confronting cultural invasion from the perspective of Imam Khamenei. *Security Studies Quarterly*, 11(2), 67-60.
- Alizadeh, M. J., & Moradi Saleh, A. R. (2012). The role of the cultural authority of the Islamic Republic of Iran in confronting cultural invasion from the perspective of Imam Khamenei. *Security Studies Quarterly*, 11(2), 67-60.
- Asadi, A. (2017). A Role of Digital Media on Discussing about the Diplomacy in the World. *Scientific Research Publishing, Open Journal of Political Science*, (7), PP267-275.
- Ayatollah Khamenei. (1996, December 20). Speech to a Gathering of Women in Khuzestan. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>.
- Ayatollah Khamenei. (1996, June 28). Speech to a Gathering of Women in the City of Urmia. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>.
- Ayatollah Khamenei. (2013, February 20). Speech to a Gathering of Female Intellectuals and Scholars. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>.
- Ayatollah Khamenei. (2018). Iran Statement on the Second Step of the Revolution Addressed to the Iranian Nation. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>.
- Bahrami, K. N. (2009). Media theory. Tehran: Kavir Publications.
- Bashir, H., & Afraziabi, M. S. (2012). Social networking sites and youth lifestyle: A case study of the largest Iranian virtual community. *Journal of Cultural Research*, 5(1), 31-62.
- Bremen, E. (1996). Cultural control. H. Eliasie, Trans. Tehran: Nashr Ney. (Original work published 1375)

- Gholamrezaei, A. A. (2015). Characteristics of targeted soft war: Invasion on cultural structure. *Radio and TV Quarterly*, 11(27), 85-100.
- Gholamrezaei, A.A. (2014). Culture and Cultural Invasion; Derived from the Words of the Supreme Leader Ayatollah Khamenei. Tehran: Sazman-e Madarek-e Farhangi-ye Enghelab-e Eslami, (3).
- Hadees-e Velayat Software (2011). *Majmueh-ye Rahnamaye Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari Hazrat Ayatollah Khamenei Collection of Guidelines from the Supreme Leader Ayatollah Khamenei*. Islamic Sciences Computer Research Center.
- Hashemi, S. (2008). *Media and Cultural Changes, New Media Technologies*. Tehran: Strategic Studies.
- Lord, Kristin M. (2018). *Voices of America, U.S. Public Diplomacy for the 21st Century, The Foreign Policy Program at Brookings and The Brookings Project on U.S. Relations with the Islamic World*.
- Mansouri, J. (1991). *The Culture of Independence*. Tehran: Dafter-e Motale'at-e Siyasi va Bein-ol-Melali-ye Vazarat-e Omur-e Khareje.
- Mohammadi, A. (2015). *Iran' Methods of Confronting America's Soft War Against the Islamic Republic of Iran*. Master's Thesis, Department of Political Science, Islamic Azad University, Shiraz Branch.
- Moisi, D. (2017). *France in an age of globalization*. Washington, DC: Brookings Institutions Press.
- Moradi, T. (2019). *America's Soft War Against the Islamic Republic of Iran (The Case Study of Post-JCPOA Era)*. Master's Thesis, Department of Political Science, Islamic Azad University, Shiraz Branch.
- Motahari, A. (2013, November 6). Minister of Guidance: Filtering and Parasites are not the Solution. *Shargh Daily*. Retrieved from <http://sharghdaily.com/fa/main/detail/24728>.
- Pishvavar, A. (1997). *Political sociology*. Ahvaz: Islamic Azad University Press.
- Rahmani, G. A., Vahida, F., & Esmaili, R. (2017). Study of cultural changes caused by the use of satellite media in the field of family values. *Journal of Cultural Defense*, 6(1), 1-32.
- Rahmani, G. A., Vahida, F., & Esmaili, R. (2017). Study of cultural changes caused by the use of satellite media in the field of family values. *Journal of Cultural Defense*, 6(1), 1-32.
- Razavi Zadeh, S. N. (2008). *The effect of media consumption on the lifestyle of Tehran residents*. Tehran: Institute for Cultural, Artistic and Communications Studies.
- Razavi, S. A. M., Naemati Far, N., & Moosavi, S. H. (2018). The relationship between media literacy and cultural invasion in social networks. *Islam and Social Studies Quarterly*, 6(2), 152-178.
- Saberi Majid, M. (2010). Iranian Islamic revolution and media war. *Resalat Journal*, 4(10).
- Saeedian, M., Arzani, H. R., & Yaraqi, S. (2013). Family pathology in Western culture according to the Supreme Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei. *Ethical Promotional Journal*, 3(110), 9-43.
- Safaei, S. (2019). Pathology of cultural invasion among young people in Hamedan Province. *Political Science Quarterly*, 15(1), 173-194.
- Sameti, M. M. (2006). *The CNN and Hollywood era*. N. K. Barahui, Trans. Tehran: Nashr Ney.
- Sarrant, P. (2008). *Betrayal of the media*. M. Dehshiri, Trans. Tehran: Cultural and Social Studies Institute.
- Soltanifar, M. (2008). *Collection of articles on media diplomacy: Identifying effective factors in diagnosing media diplomacy of the country*. H. Bashir, Ed. Tehran: The Center for Strategic Research of the Expediency Discernment Council.

- Wang, S. Y. (2013). Globalization of Chinese film and television industry, protection and dissemination of national culture. *Journal of HUBEI Correspondence University*, 26(2): 169-170.
- White House. (2018). Report on the Victims of Iranian Censorship Law.



Analysis of the Clergy's Perspective on Cultural Invasion and Its Impact on Iranian Families

Samaneh. Foghi¹, Mohammadreza. Aghareb Parast^{2*}, Abdolreza. Baghi³

Abstract

Aim: This study aimed to analyze the cultural invasion and its damages to the Iranian family foundation from the perspective of the Clergy's viewpoint. **Method:** This research was conducted using a descriptive-analytical method, relying on library resources. **Results:** One of the social functions of the media is its role in introducing the concept of family to the audience. They often depict families as distinguishable and prominent units. This method transfers the family foundation from one generation to another. The purpose of this research is to identify the destructive effects of cultural invasion, soft war, and cultural damages to Iranian families from the perspective of the Clergy. Western media can impose their own definition of family on the Iranian society by repeatedly publishing their desired definition of family, thus causing a change in a society from within. This has become a concern for officials, including the Clergy. **Conclusion:** Data analysis showed that the virtual space and media have the most significant impact on cultural invasion.

Keywords: *Cultural invasion, media, Iranian families, soft war, virtual space.*

1. PhD Student, Faculty of Sociology, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran

2. ***Corresponding author:** Assistant Professor, Faculty of Sociology, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran

Email: aghareb@iaush.ac.ir

3. Assistant Professor, Faculty of Sociology, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran